

۴۴ داستان از:

افسانه‌های ایرانی

گردآوری و تألیف:

علی غلامی فرزاد؛ هادی عبدی

www.ketab.ir

سرشناسه : غلامی فرزاد، علی، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور : ۴۴ داستان از افسانه‌های ایرانی
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات آرایان، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۴ ص.
 شابک : 978-600-7133-48-4
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیای مختصر
 یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 عنوان گسترده : چهل و چهار داستان از افسانه‌های ایرانی
 شناسه افزوده : عیدی، هادی، ۱۳۶۳ -
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۷۳۵۷۱



نام کتاب ☒ : ۴۴ داستان از افسانه‌های ایرانی
 گردآوری و تألیف: علی غلامی فرزاد؛ هادی عیدی ☒
 صفحه‌آرایی : جهان‌تاب ☒
 نوبت چاپ : اول: ۱۳۹۴ ☒
 شمارگان : ۵۰۰ نسخه ☒
 قیمت : ۱۱۰۰۰ تومان ☒
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۳-۴۸-۴ ☒

حق چاپ و نشر مجدد این اثر (یا بخشی از آن) برای آرایان محفوظ است.

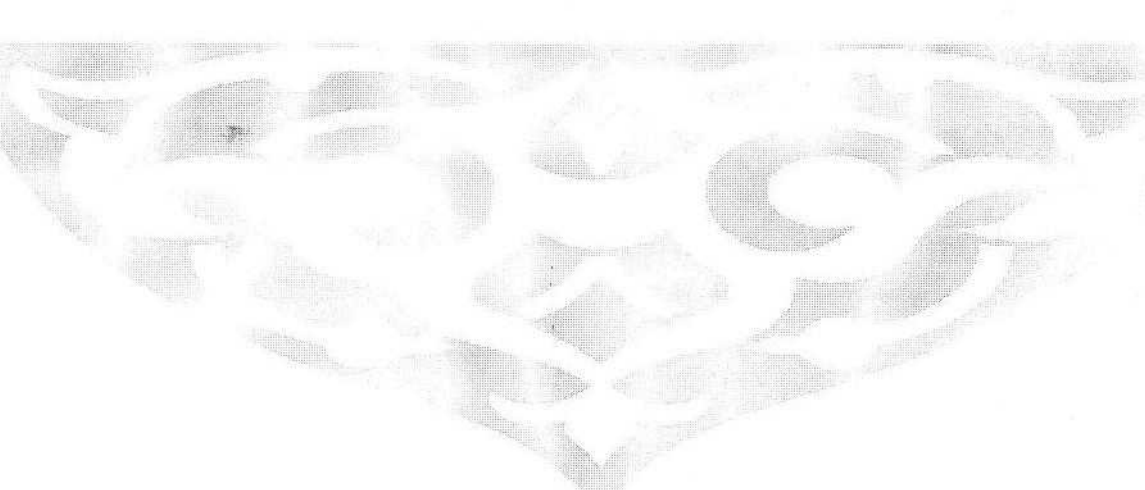
نشانی: تهران، انقلاب، خ فخررازی، کوی فاتحی داریان، پلاک ۶، طبقه اول؛ تلفن: ۶۶۹۷۱۳۴۴

ایمیل: arayanbook@yahoo.com

﴿ فهرست ﴾

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۷
پیش‌گفتار.....	۱۷
شجاعت.....	۱۹
بز زنگوله‌پا.....	۲۱
احمد پهلوان.....	۲۶
هر کاری عرضه می‌خواهد.....	۲۹
بازکننده دست ازدها.....	۳۱
قصه بیزکان.....	۳۳
شنگل و منگل به روایتی دیگر.....	۳۷
شنگل و منگل و دسته گل.....	۴۱
حق‌گیری.....	۴۷
بلبل سرگشته.....	۴۹
مورچه و گربه.....	۵۶
دسته چاقو.....	۵۸
پیرزن و گاو.....	۶۰
حرف حساب.....	۶۲
راستگویی و اخلاص.....	۶۳
حاجی راست و درست.....	۶۵
حاجی عباس و بچه‌های یتیم.....	۶۷
حکیم‌باشی قیافه شناس.....	۶۹
کچل شاه‌عباس که سه نفر او را کشتند.....	۷۱
عروسک بلور.....	۷۵
گربه سه‌کیلویی.....	۸۰
چوپان دروغگو.....	۸۲
قرض کردن پیر مرد از خدا.....	۸۴

۸۶	سه قصه مسافران.....
۸۹	تسلیم رضای خدا بودن.....
۹۱	سرنوشت.....
۹۵	خواهر ندار و خواهر دارا.....
۹۸	حکایت ان شاء الله گفتن.....
۱۰۰	عزرائیل و پسر نجار.....
۱۰۲	دو قورت و نیمش باقیه.....
۱۰۴	چوپان و گنج.....
۱۰۵	دختر پادشاه.....
۱۰۹	روزی دست خداست.....
۱۱۲	پیرمرد و عزرائیل.....
۱۱۴	قصه باباخارکن.....
۱۲۱	تنه بچه خمیره.....
۱۲۳	بارون بباره یا نباره؟.....
۱۲۵	پدري که پسر نداشت.....
۱۳۰	تعبیر رأی خدا.....
۱۳۲	پسر چوپان و بازی تقدیر.....
۱۳۶	مرد دهاتی که سنگی از طلا پیدا کرد.....
۱۳۹	عاقبت اندیشی.....
۱۴۱	هرچه کنی به خود کنی.....
۱۴۳	احمدک.....
۱۴۷	این جور نبوده و این جور نمی ماند.....
۱۵۱	تنه مومی.....
۱۵۴	پیرزن و زرد آلو.....
۱۵۷	محبت به حیوانات.....
۱۵۹	ماهی قزل آلا.....
۱۶۳	فهرست منابع.....



مقدمه

«افسانه‌ها، داستان‌هایی هستند که به دلیل دارا بودن عوامل تخیلی بسیار، امکان وقوع ماجراهای آن‌ها، بسیار بعید یا غیرممکن است. این نوع ادبی، از قدیمی‌ترین انواع ادبیات است؛ به‌خصوص افسانه‌های عامیانه.

افسانه‌ها را به طور کلی می‌توان به دو دسته عامیانه و جدید تقسیم کرد. هدف این افسانه‌ها، پرورش نیروی تخیل و تصور و قدرت ذهنی کودکان و نوجوانان و کمک به آشنایی با میراث گذشته و تکوین هویت فرهنگی آنان است.»^۱

۱- ملاک‌های ارزشیابی افسانه‌ها

• کیفیت محتوا:

- انتخاب افسانه‌ها (عامیانه)، از نظر محتوا، درست باشد؛ یعنی با آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه متناسب باشد.
- پیام آن‌ها، در جهت تثبیت ارزش‌های والای انسانی باشد.
- محتوا، در جهت پرورش نیروی تخیل و رشد شخصیت کودکان و نوجوانان باشد.
- سازنده باشد؛ یعنی در خواننده نگرش منفی به وجود نیاورد.
- کودکان و نوجوانان را خیال‌باف و ترسو بار نیاورد.

- قدرت اندیشه را تقویت کند و از سطحی کردن و خرافاتی کردن خواننده بپرهیزد؛ به دیگر بیان، راه و روش، فکر و فلسفه‌ای مترقی نسبت به زمان خود القا کند.
- در بازنویسی افسانه‌های عامیانه، در محتوای آن دخل و تصرف نشود. مگر این که برای کودکان و نوجوان، بدآموزی داشته باشد.
- افسانه‌های جدید، تابع و پیرو نیازهای زمان باشد.

• شخصیت پردازی:

- شخصیت‌ها با این که جنبهٔ اعجاب‌آمیز و مبالغه‌آمیز دارند، باید در رابطه‌ای منطقی با یکدیگر و محیط قرار گیرند تا خواننده، از پذیرفتن آن‌ها سر باز نزند.
- شخصیت‌پردازی، نباید سبب نگرش منفی یا حس برتری طلبانه نسبت به نژاد، قوم و فرهنگ خاصی بشود.
- از استعاره، درست استفاده شود تا موجب پیش داوری نسبت به گروه خاصی نشود.
- به این نکته توجه شود که در افسانه‌های عامیانه، قهرمانان اغلب دارای شخصیتی روشن و تا اندازه‌ای ثابت هستند و همراه با حوادث مختلف، کمتر تغییر منطقی پیدا می‌کنند.
- در افسانه‌های جدید، شخصیت‌ها با این که واقعی نیستند، بسیار به واقعیت نزدیک‌اند و معمولاً در طول افسانه تغییر می‌یابند.

• کیفیت زبان نگارش:

- زبان و بیان بازنویسی افسانه‌های عامیانه باید ساده، درست و نزدیک به گفتار مردم باشد تا اصالت آن حفظ شود.
- در افسانه‌های جدید، توصیف‌ها باید محسوس و نزدیک به زندگی مردم بوده و از سادگی و ایجاز برخوردار باشد.

۲- افسانه‌های عامیانه

قرن‌ها پیش از اختراع صنعت چاپ و حتی قبل از وجود خط و فن کتابت، مردم اقوام

مختلف، در هنگام فراغت از کار، دور هم جمع می‌شدند، قصه و افسانه می‌گفتند و می‌شنیدند. افسانه‌ها سینه به سینه نقل شده تا به زمان حال رسیده است. افسانه‌ها نه تنها در طول زمان سفر کرده‌اند، بلکه در همان زمان‌ها به وسیله نقالان، تجار و فروشندگان دوره‌گرد، همراه کاروانیان، از دیاری به دیار دیگر سفر می‌کردند.

حتی اسرای جنگی که به بیگاری گرفته می‌شدند، یا نمایندگان سیاسی و مذهبی، از عوامل نقل مکان افسانه‌های عامیانه هستند. این افسانه‌ها، در طول سفر و با هر بار گفته شدن، اندک تفاوتی می‌کردند و هر قصه‌گو، بسته به حال و هوای خود، چیزی بدان‌ها می‌افزود یا از آن‌ها می‌کاست. از همین‌رو، در هر زمان و در هر محلی، افسانه‌ها مطابق با نیازهای روانی و اجتماعی مردم تغییر شکل می‌یافتند.

تفاوت روایت افسانه‌ها در سرزمین‌های مختلف، می‌تواند مرتبط با تفاوت عقاید، آداب و رسوم، احساسات و دید مردم آن سرزمین نسبت به مسایل مختلف زندگی باشد.

«ماکس لوتی» محقق سوئیسی افسانه‌ها و فلکلور می‌گوید: «قهرمان افسانه‌ها، هرگز به تنهایی شکست‌ناپذیر نمی‌شود؛ زیرا هرگز کاملاً متکی به خود و خودکفا نیست. هرچه می‌کند، با کمک موجودات جادویی و اشیاء و وسایل خارجی است. افسانه‌ها عموماً درسی از کمک متقابل و همکاری و کوشش دست جمعی دربردارند که این نکته، بسیار مهم است و تنها چیزی است که می‌تواند معجزه‌گر باشد.

افسانه‌ها، کودکان را اسطوره‌وار، با واقعیات آشنا می‌کنند. زمینه‌های تخیل را در آن‌ها گسترش می‌دهند و در دنیای بیش از اندازه معتقد به اصالت عقل، اثری نیک بر جای می‌گذارند. بنابراین افسانه‌ها مفهومی اسطوره‌ای از دنیا به دست می‌دهند؛ ولی در همین مفهوم اسطوره‌ای، نظام ارزش رفتاری شخصی، به چشم می‌خورد که گرچه ابتدایی به نظر می‌رسد، ولی با پایداری، دنبال می‌شود و عمق طبیعت و نیاز انسان را در به‌دست آوردن عدالت، بازگو می‌کند.^۲

البته عده‌ای به علت عدم آگاهی بر انواع و اقسام افسانه‌ها، عدم آگاهی از کارکرد و تأثیر تخیل بر ذهن، گذاشتن بار تمام ادبیات و رسالت انواع مختلف آن بر دوش افسانه‌ها، نهادن گناه کم‌کاری نویسندگان واقع‌گرا بر افسانه‌ها و افسانه‌سرایان و... با تأکید بر واقعیت‌های این

عصر می‌گویند: «افسانه، یک قالب بیان بوده است برای ابراز محرومیت‌ها، ناکامی‌ها و رنج‌دیدگی‌های اکثریت وسیع مردم جامعه، در طول زمانی که یک افسانه تولد می‌یابد... به این ترتیب، افسانه قالب بیان درد و خواسته‌های انسان این زمان نیست. انسان این زمان، در بطن واقعیت‌های دیده این عصر که دیگر به وقاحت کشیده شده است، اگر برای بیان خواسته‌های خود، زبان افسانه را برگزیند، بی‌شک درخواست دارد. در عصر جدید، زبان‌ها، زبان قاطعیت، صراحت و حتی گاه زبان خشونت و منطق بازو است...» لذا «ادبیات کودکان»، بایستی تحول یابد؛ هم در محتوا که نمودار ذهنیت تحولی است، به واقعیت عینی بگراید و هم در قالب که بازتابی از محتوا است و هم در ارائه آن...^۲

«گفته کلیبرگ» - متخصص تعمیم و تربیت - در جواب این سوال که آیا افسانه‌ها پاسخگوی نیازهای کودکان و نوجوانان هستند؟ و جواب به کسانی که تنها ادبیات واقع‌گرایانه یا ناتورالیستی یا عکس‌وار را دارای یک پیام می‌دانند، می‌گوید: «واقع‌گرایی و ناتورالیسم، مترادف نیستند. اگر افسانه هم درباره زندگی درونی یا محیط خواننده، مطالبی برای گفتن دارد، باید آن را واقع‌گرا نامید.

اسطوره ممکن است حقیقت نداشته باشد؛ ولی الزاماً عاری از حقیقت نیست. بنابراین اسطوره‌ها و داستان‌های سحرآمیز، نباید نقطه مقابل ادبیات ناقل اطلاعات تلقی شوند. افسانه‌ها، به شکل دیگری ما را از دنیای اعجاب‌انگیز مطلع می‌کنند؛ به معنای دیگر، دنیای اعجاب‌انگیز، دنیای خود ماست. در این دنیاهای اعجاب‌انگیز، ما فعالیت‌های بشری و خواسته‌های انسان را باز می‌یابیم. این دنیاهای می‌توانند به خواننده، خواسته‌ها و هویت واقعی خودش را نشان دهند.

آن‌چه در اولین نظر، ماجراجویی تلقی می‌شود، درواقع قدرت انسان برای مقابله با لحظات خطر و شرایط غیرمنتظره است. مسایل دنیای عجیب، ممکن است حتی مسایل اخلاقی باشد.^۴

ماکسیم گورکی در باب سازندگی افسانه می‌گوید: «قدرت تخیل افسانه‌سازان، چند صد سال قبل از اختراع هواپیما، از «قالیچه پرنده» خبر داشت و خیلی قبل‌تر از اختراع لکوموتیو و موتورهای گازی و الکتریکی، از سرعتی معجزه‌آسا جهت حرکت در فضا مطلع

بود. همین امر «تخیل» است که موجب پیدایی خاصیتی اعجاب‌آور در آدمی شده است. حدس زدن، امروز یاور ارزنده‌ای برای محققان علوم طبیعی به حساب می‌آید. آن‌جا که قدرت اندازه‌گیری و محاسبه، از حرکت بازمی‌ماند و نمی‌تواند محاسبه‌ای قابل قبول به محقق عرضه کند، «حدس» است که به کمک او می‌شتابد و او به خود می‌گوید: «شاید جریان این‌طور باشد.» بدین‌سان، زنجیر پاره شده محاسباتش را با حلقه فرض، جوش می‌دهد و فرضیه‌ای ارائه می‌دهد که بعدها، یا با آزمایش اثبات شده و از آن، نظریه علمی به دست می‌آید یا این‌که واقعیات، فرضیه او را رد می‌کنند.^۵

• ویژگی افسانه‌های عامیانه:

- افسانه‌های عامیانه، معمولاً از طرح خاصی پیروی می‌کنند. شروع و پایان مخصوص به خود دارند. شخصیت‌های اصلی داستان، اغلب در همان چند جمله اول معرفی می‌شوند. پس از آن، این شخصیت‌ها با گره اصلی مواجه شده، سپس طی ماجرابی بسیار سریع و پرحادثه، این گره به دست محبوب‌ترین قهرمان افسانه گشوده می‌شود.
- ماجرا در افسانه‌های عامیانه، نقش بسیار مهمی را برعهده دارد؛ وقایع، چون دانه‌های ریز یک زنجیر، تند و سریع یکی پس از دیگری قرار می‌گیرند و هرگز شنونده یا خواننده را با جمله‌سازی‌های زیاد و توضیحات و توصیفات بی‌فایده، معطل نمی‌گذارند.
- تکرار، یکی دیگر از خصوصیات برجسته داستان‌های عامیانه است. تکرار فقط در سبک نگارش نیست که جلوه می‌کند بلکه اغلب، در ساختمان افسانه‌ها هم مؤثر است؛ مثلاً تکرار در افسانه‌هایی نظیر «موش دم بریده» یا «مهمان‌های ناخوانده»، نقش اساسی دارد.
- در افسانه‌های عامیانه، افراد اصلی داستان، شخصیت‌های روشن و مشخص دارند و اغلب مشابه هستند؛ مثلاً دختران زیبا معمولاً خوش رفتار هستند؛ شاهزاده کوچک‌تر، از همه باهوش‌تر است؛ فقرا نیک‌نفس و مهربان و ثروتمندان، سنگ‌دل و ظالم هستند. خصوصیات این افراد، معمولاً در همان اول داستان معلوم می‌شود؛ زیرا همین خصوصیات است که باعث پیشرفت ماجرای داستان می‌شود.

• تقسیم‌بندی افسانه‌های عامیانه:

- ۱- افسانه‌های توأم با تکرار
- ۲- افسانه‌های حیوانات سخنگو
- ۳- افسانه‌های فکاهی
- ۴- افسانه‌های حماسی - قهرمانی
- ۵- افسانه‌های فلسفی و دینی
- ۶- افسانه‌های عاشقانه
- ۷- افسانه‌های جادویی

۱- افسانه‌های توأم با تکرار: این افسانه‌ها از نظر مفهوم و از نظر زبان، ساده‌ترین و کوتاه‌ترین نوع افسانه‌های عامیانه هستند. معروف‌ترین و زیباترین افسانه‌های عامیانه ایرانی که برای کودکان کاملاً قابل استفاده است، بیشتر از همین نوع است؛ مانند: «دویدم و دویدم»، «موش دم بریده»، «مهمان‌های ناخوانده»، «سنگول و منگول و حبه انگور».

۲- افسانه‌های حیوانات سخنگو: در این افسانه‌ها، حیوانات، فقط ظاهر حیوانی دارند ولی مثل انسان‌ها فکر می‌کنند، احساس دارند و حرف می‌زنند. حتی در بسیاری از مواقع، به تحلیل اجتماعی و سیاسی می‌پردازند؛ به‌طور مثال در «کلیله و دمنه».

حیطه این افسانه‌ها، بسیار وسیع است و از لحاظ مفهوم، کلیه انواع دیگر افسانه‌ها را می‌تواند در برگیرد؛ یعنی می‌تواند افسانه جادویی، فکاهی، یا فقط سرگرم‌کننده و یا فلسفی باشد. این افسانه محبوب‌ترین نوع افسانه‌ها برای اطفال هستند که هرگاه به صورت مختصر و کوتاه درآیند و در پایان آن‌ها، آشکارا، نتیجه‌گیری اخلاقی بشود، قابل‌ها به وجود می‌آیند؛ مانند: «روپاه و کلاغ» یا «لاک‌پشت و خرگوش».

۳- افسانه‌های فکاهی: در بسیاری از افسانه‌های عامیانه، شوخ‌طبعی خاص ملل مختلف هویدا است. نکته خنده‌دار، گاه در حماسه‌های قهرمان داستان و گاه در ذکاوت و سرعت انتقال اوست؛ ولی هرگز از ظاهر و یا عیب شخصی، برای خنداندن خواننده یا

شنونده استفاده نمی‌شود. از افسانه‌های معروف فکاهی ایرانی، «خاله گردن راز» و «خاله خدیجه» را می‌توان نام برد.

۴- افسانه‌های حماسی - قهرمانی: انسان‌ها در هر مکان و زمان، شیفته رفتارهای قهرمانانه و شجاعانه هستند، به‌خصوص وقتی که این رفتار، در راه رسیدن به هدفی عالی و بزرگ، از شخصی سر بزند. به همین دلیل از دیرباز، مردم اقوام مختلف، تاریخ قوم خود را با عوامل افسانه‌ای به هم می‌آمیختند و برای پرورش روح قهرمانی در جوانان به کار می‌بردند. داستان‌های «شاهنامه» فردوسی، افسانه‌های «ایلیاد» و «ادیسه» از هومر شاعر یونانی و حماسه «نیبلونگ» از ملل ژرمن، بهترین نمونه‌های این نوع افسانه هستند.

۵- افسانه‌های فلسفی و دینی: بشر همیشه درباره آن‌چه در اطرافش می‌گذشت، می‌اندیشید و می‌کوشید دلیلی برای پدیده‌های مختلف بیابد و هرگاه از توجیه منطقی رویدادها عاجز می‌ماند، دست به دامن عوامل غیرطبیعی و عجیب می‌شد. مثلاً چون علت باریدن باران یا خشکسالی را نمی‌دانست، یکی را از اقدامات فرشته رحمت و دیگری را نتیجه رفتار دیوی بدسرشت می‌پنداشت و صدای رعد و درخشش برق را از اثرات جنگ میان فرشته باران و دیو خشکسالی به حساب می‌آورد.

در این افسانه‌ها، عقاید و افکار مردمان زمان‌های بسیار پیش، به خوبی هویدا است. در بسیاری از موارد، این افسانه‌ها رنگ دینی به خود گرفتند و اساطیر جهان، بدین‌گونه به وجود آمدند. در افسانه‌های اساطیری، قهرمانان اصلی داستان، خدایان یا نیمه خدایان هستند. گرچه این خدایان، دارای قدرت مافوق طبیعی هستند، ولی بسیاری از خصوصیات انسانی را نیز می‌توانند دارا باشند. داستان «جمشید شاه»، از زیباترین اسطوره‌های دینی است که برای کودکان و نوجوانان بازنویسی شده است.

۶- افسانه‌های عاشقانه: عشق طبیعی‌ترین و زیباترین احساس انسانی است و مردم، همیشه در وصف و بزرگداشت آن، داستان‌ها گفته‌اند. در افسانه‌های عاشقانه عامیانه، فقط عاشق صادق و جوانمرد و بردبار، پیروز است. فداکاری با شجاعت و پایداری، از مهم‌ترین عوامل برای رسیدن به معشوق به شمار می‌رود. در افسانه‌های عاشقانه عامیانه، هرگز به توصیف صحنه‌های عاشقانه و دور از اخلاق برخورد نمی‌کنیم.

۷- **افسانه‌های جادویی:** در این افسانه‌ها همیشه یک عامل غیرواقعی و جادویی وجود دارد؛ این عامل می‌تواند حیوانی مافوق طبیعی مثل اژدها یا سیمرغ باشد؛ یا شی‌ای جادویی مثل قالیچه، انگشتری و... باشد و یا شخصی جادویی مثل جادوگر، غول، پری و... باشد. در این افسانه‌ها، مهم این است که قهرمان، همیشه یا با این عوامل درگیری دارد یا به کمک همین عوامل سحرآمیز موفق می‌شود. این افسانه‌ها گاه بسیار وحشتناک هستند؛ مثل: «ماه پیشانی» و گاه بسیار لطیف و زیبا هستند؛ مانند: «خاکسترشین».

۳- افسانه‌های جدید:

عصر حاضر، نیازها و احتیاجات خاص خود را دارد و به همین جهت، نویسندگان خوش قریحه و خالقین افسانه‌ها، داستان‌های خود را با توجه به این نیازها خلق می‌کنند. آن‌ها نه تنها در این داستان‌ها از وسایل جدید استفاده می‌کنند بلکه افکار جدید خود را نیز در این قالب، منعکس می‌سازند. آن‌ها از طرح‌های افسانه‌های عامیانه، در خلق افسانه‌های جدید سود می‌جویند؛ مجدداً به حیوانات عجیب، غول‌ها، جادوگران، حیوانات سخنگو و اشیای سحرآمیز، جان می‌بخشند و حکمت مستتر در این قصه‌ها را با برداشتی نو، به خوانندگان خود ارائه می‌دهند.

• تنوع افسانه‌های جدید:

تنوع افسانه‌های جدید، کمتر از افسانه‌های عامیانه نیست؛ ولی بعضی از انواع افسانه، چون افسانه‌های دینی، در عصر جدید کمتر ساخته می‌شود؛ در عوض، افسانه‌های علمی Science Fiction، جای آن‌ها را گرفته است.

در عصر جدید، در افسانه‌های حیوانی، مثل «ماهی سیاه کوچولو» که قصه‌ای استعاره‌ای است، یکی از مسایل اجتماعی عصر نویسنده مطرح می‌شود. در افسانه‌های فلسفی، شاهد «شازده کوچولو» هستیم که از کره‌ای دیگر به زمین آمده است و طور دیگری به دنیا نگاه می‌کند. در «پینوکیو»، عروسکی جان می‌گیرد و با گریه و رویه حادثه می‌آفریند. در اصل یکی از پایه‌های افسانه‌های جدید، دانسته‌های علمی، خلاقیت ذهنی و حدس و

فرض و گمان است. ژول ورن در کتاب «بیست هزار فرسنگ زیر دریا»، زیردریایی نوتیلوس را خلق می‌کند که اکنون، نام یکی از زیردریایی‌های ایالات متحده آمریکا است. همچنین او در کتاب «مسافرت به کره ماه»، سفر به کره ماه را پیش‌بینی کرده است.

در کتاب‌های آرتورسی کلارک، مثل «اودیسه ۲۰۱۰» و «راز کیهان یک»، دنیایی شگفتی و ماجرا یافت می‌شود. آیزاک آسیموف، نویسنده‌ای که حدود پانصد کتاب علمی و علمی - تخیلی دارد، در کتاب «سفر معجزه‌آسا»، سفری حیرت‌انگیز به بدن انسان کرده است. او در آن جا عقایدی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «مدت‌های مدیدی است به این نتیجه رسیده‌ام که داستان تخیلی - علمی، دارای نیرویی بالقوه و یک وسیله با اهمیت و مفید آموزشی است؛ زیرا خواننده در پایان داستان، این سؤال را از خود می‌پرسد که آیا حوادثی که در این داستان رخ داده، امکان وقوع دارد؟ یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است، به چه دلیل و چرا؟»^۶